

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## سلسله عقیده اسلام ۲۱

بهشت و جهنم و صفت آنها  
 کیفیت ایمان و دلیل ورود آنها

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على  
 رسول الله و على آله و اصحابه الى يوم الدين و  
 اما بعد :

از جمله چیزهایی که واجب است به آن معتقد بود و ایمان  
 داشت، بهشت و جهنم است.  
 بهشت محل پاداش گرفتن است برای کسی که خداوند را  
 فرمانبری کرده است و جایگاه آن در آسمان هفتم کنار  
 سدرة المنتهی است. الله تعالی می فرماید:  
 ﴿وَلَقَدْ رَءَاهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ ﴿١٣﴾ عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ ﴿١٤﴾  
 عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ ﴿١٥﴾﴾ (نجم ۱۳-۱۵)  
 «قطعاً بار دیگر او را نزد سدرة المنتهی دیده است همانجا  
 که جنة المأوی است».

**بهشت** صد درجه دارد و فاصله بین هر درجه با دیگری  
 به اندازه فاصله بین زمین و آسمان است همانگونه که در  
 صحیح بخاری از ابوهریره رضی الله عنه روایت می کند که  
 رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ  
 مِائَةَ دَرَجَةٍ أَعَدَّهَا اللَّهُ لِلْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِ  
 اللَّهِ مَا بَيْنَ الدَّرَجَتَيْنِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ  
 «بهشت صد درجه دارد که خداوند آن را برای مجاهدین در  
 راهش آماده کرده است. بین هر دو درجه از آن به اندازه  
 فاصله بین آسمان و زمین است». بخاری (۲۷۹۰)

بالاترین قسمت بهشت، فردوس است که بر بالای آن عرش  
 قرار دارد و از آن رودهای بهشت جاری می شوند کما

اینکه در حدیث سابق از ابوهریره اینگونه آمده که پیامبر  
 فرمود: «فَإِذَا سَأَلْتُمُ اللَّهَ فَاسْأَلُوهُ الْفَرْدَوْسَ فَإِنَّهُ  
 أَوْسَطُ الْجَنَّةِ وَأَعْلَى الْجَنَّةِ فَوْقَهُ عَرْشُ الرَّحْمَنِ  
 وَمِنْهُ تَفْجَرُ أَنْهَارُ الْجَنَّةِ» «هرگاه شما چیزی از خداوند  
 خواستید فردوس را از او بخواهید که آن بهترین جای بهشت  
 و بالاترین آن است و بالای آن عرش رحمان قرار دارد که  
 از آن رودهایی جاری می شوند».  
 بهشت همانگونه که در حدیث سهل بن سعد س که در  
 صحیح بخاری آمده، هشت دروازه دارد. در آن رسول الله  
 صلی الله علیه وسلم می فرماید: «فِي الْجَنَّةِ ثَمَانِيَةُ أَبْوَابٍ  
 فِيهَا بَابٌ يُسَمَّى الرِّيَّانَ لَا يَدْخُلُهُ إِلَّا الصَّائِمُونَ  
 «بهشت هشت دروازه دارد. در آن دری وجود دارد که  
 الریان نامیده می شود و جز روزه داران از آن داخل نمی  
 گردند» صحیح بخاری (۳۲۵۷).  
 و خداوند برای اهل بهشت در آن نعمتهایی آماده کرده که  
 نه چشمی دیده، نه گوشی شنیده و نه به قلب کسی خطور  
 کرده است.

**اما جهنم** محل مجازات ابدی برای کافران و مشرکان و  
 منافقانی که دارای نفاق اعتقادی هستند، می باشد و محل  
 کسانی از گنهکاران موحد که خداوند بخواهد به اندازه  
 گناهانشان آنها را مجازات کند سپس سرانجام به سوی  
 بهشت بفرستد، می باشد. الله تعالی می فرماید:  
 ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ  
 يَشَاءُ﴾ (نساء: ۴۸)

«خداوند از اینکه برای او شریک قرار داده می شود را نمی بخشد و جز آن برای هرکس که بخواهد می بخشد»

و جایگاه آن در زمین می باشد که هفت دروازه است همانگونه که از ابن عباس نقل شده است. جهنم منزلی دارد که بعضی از بعضی دیگر پست تر و پایین تر هستند. عبدالرحمن بن اسلم می گوید: **(درجات الجنة تذهب علوا ودرجات النار تذهب سفولا، وأسفل**

**الدركات هي دار المنافقين كما قال تعالى : ﴿ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ ﴾ (نساء ۱۴۵)، وللنار سبعة أبواب، قال تعالى : ﴿ هَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ**

**لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ ﴾ (حجر ۴۴)، ونار الدنيا جزء من سبعين جزءا من نار جهنم على ما جاء في حديث أبي هريرة الذي أخرجه الشيخان عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «نَارُكُمْ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءًا مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ» (درجات بهشت رو به بالا**

و درجات جهنم رو به پایین هستند. پایین ترین درجه محل منافقین است. همانگونه که الله تعالی می فرماید: ﴿ إِنَّ

الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ ﴾ منافقین در پایین ترین درجه جهنم قرار دارند» برای جهنم هفت دروازه است.

الله تعالی می فرماید: ﴿ هَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ ﴾ (برای آن هفت دروازه است که برای هر در آن

قسمت مشخص شده ای وارد می شوند» و آتش دنیا

یک هفتادم آتش جهنم است بر اساس آنچه ابوهریره س از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت می کند: **«نَارُكُمْ جُزْءٌ**

**مِنْ سَبْعِينَ جُزْءًا مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ** » «آتش شما یک هفتادم آتش جهنم است». بخاری (۳۲۶۵) ، و مسلم (۸۷۱) .

**ایمان به بهشت و جهنم به وسیله سه چیز تحقق می یابد:**

اول اینکه: اعتقاد قطعی داشته باشیم که آن دو حق هستند و بهشت منزلگاه اهل تقوا و جهنم جایگاه کافران و منافقین است. الله تعالی می فرماید:

﴿ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا كَلَّمَا تَضَجَّتْ جُلُودُهُمْ بَدَلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴾ (۵۱) وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ﴿ (نساء ۵۶ - ۵۷)

«بزودی کسانی که به آیات ما کفر ورزیده اند در آتش جهنم در آوریم که هرچه پوستشان سوخته شود پوستهای دیگری بر جایش قرار دهیم تا عذاب را بچشند. همانا خداوند شکست ناپذیر حکیم است. و کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند به زودی در بهشت هایی که از زیر آن نهروها جاری است برای همیشه داخل گردانیم».

دوم اینکه: اعتقاد داشته باشیم که در حال حاضر وجود دارند. الله تعالی در مورد بهشت می فرماید:

﴿ أَعَدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ﴾ (آل عمران ۱۳۳)

«برای اهل تقوا آماده کرده ایم»

و در باره جهنم می فرماید:

﴿ أَعَدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ﴾ (بقره ۲۴)  
«برای کافران آماده کرده ایم».

در صحیحین از عمران بن حصین رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: **«أُطْلِعْتُ فِي الْجَنَّةِ فَرَأَيْتُ أَكْثَرَ أَهْلِهَا الْفُقَرَاءَ وَأُطْلِعْتُ فِي النَّارِ فَرَأَيْتُ أَكْثَرَ أَهْلِهَا النِّسَاءَ** » «به بهشت، سر زدم و دیدم که اکثر بهشتیان از فقرا هستند. و به دوزخ، نظر انداختم و دیدم که اکثریت دوزخیان را زنان تشکیل می دهند».

بخاری (۳۲۴۱) ، و مسلم (۲۷۳۸)

سوم اینکه: اعتقاد داشته باشیم که آنها دوام و بقا می یابند و فنا و نابودی بر سر آنها نمی آید. الله تعالی در مورد بهشت می فرماید:

﴿ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴾ (نساء ۱۳)

«در آن جاودانند و این رستگاری بزرگ است»

و در مورد جهنم می فرماید: ﴿ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا ﴾ (جن ۲۳)

«و هرکس خداوند و فرستاده اش را نافرمانی کند جزای او آتش جهنم است و در آن برای همیشه جاودان می ماند». منظور از معصیت و نافرمانی در این آیه، کفر است بخاطر تأکید بر جاودانه ماندن برای همیشه در آتش است. قرطبی می گوید لفظ (أبدا) دلیل بر این است که منظور آیه شرک است. (قرطبی ۱۹ / ۲۷ ، وفتح القدير ۵ / ۳۰۷).

و شیخین از عبدالله بن عمر م روایت می کنند که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «يَدْخُلُ اللَّهُ أَهْلَ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ وَيَدْخُلُ أَهْلَ النَّارِ النَّارَ ثُمَّ يَقُومُ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ فَيَقُولُ يَا أَهْلَ الْجَنَّةِ لَا مَوْتَ وَيَا أَهْلَ النَّارِ لَا مَوْتَ كُلْ خَالِدٌ فِيمَا هُوَ فِيهِ» «خداوند اهل بهشت را داخل بهشت و اهل جهنم را داخل جهنم می گرداند سپس منادی ای در فاصله بهشت و جهنم می ایستد و می گوید: ای اهل بهشت دیگر مرگی در کار نیست و ای اهل جهنم دیگر هرگز نمی میرید همه در آنچه در آن هستید برای همیشه می مانند». بخاری (۶۵۴۴) ، و مسلم (۲۸۵۰)

#### پل صراط و صفت آن چیست؟

در شریعت صراط به معنی پلی است که بر جهنم نصب شده است که همه از آن می گذرند و آن راه اهل محشر برای داخل شدن در بهشت است. کتاب و سنت بر اثبات صراط دلالت دارند.

الله تعالی می فرماید: «وَإِنْ مِّنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا ﴿٧١﴾ ثُمَّ نُنْجِي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثًّا ﴿٧٢﴾» (مریم ۷۱-۷۲)

«و کسی از شما نیست مگر آنکه بر آن وارد شود این (وعده) بر پروردگارت حتمی است. سپس پرهیزگاران را رهایی می بخشیم و ستمگاران را - از پای درآمده - در آنجا وا گذاریم».

اکثر مفسرین منظور از وارد شدن به آتش را در اینجا به معنی گذر بر صراط دانسته اند و آن از ابن عباس، ابن مسعود، کعب الاحبار و دیگران نقل شده است.

در صحیحین از ابوسعید خدری رضی الله عنه در حدیثی طولانی در باره دیدن پروردگار و شفاعت آمده که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «ثُمَّ يَوْتَىٰ بِالْجَسْرِ فَيَجْعَلُ بَيْنَ ظَهْرِي جَهَنَّمَ قُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا الْجِسْرُ قَالَ مَدْحَضَةٌ مَزَلَّةٌ عَلَيْهِ خَطَاطِيفٌ وَكُلَابِيبٌ وَحَسَكَةٌ مَّقْلُطَحَةٌ لَهَا شَوْكَةٌ عَقِيفَاءُ تَكُونُ بِنَجْدٍ يُقَالُ لَهَا السَّعْدَانِ الْمُؤْمِنِ عَلَيْهَا كَالطَّرْفِ وَكَالْبَرْقِ وَكَالرَّيْحِ وَكَاجَاوِيدِ الْخَبِيلِ وَالرَّكَابِ فَنَاجٍ مُّسَلَّمٌ وَنَاجٍ مَّخْدُوشٌ وَمَخْدُوشٌ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ حَتَّى يَمُرَّ آخِرُهُمْ يُسْحَبُ سَحْبًا»

«سپس پلی را می آورند و وسط جهنم قرار می دهند. گفتیم ای رسول خدا این پل چیست؟ فرمود: جایی است خطرناک و لغزنده که بر آن قلابهای تیز و خارهایی وجود دارد که دارای نوک تیز و تنه ضخیم می باشد و این خارها قلابهایی دارند که مانند خارهایی است که در نجد وجود دارند و به آنها السعدان می گویند و ایماندار بر آن مانند یک چشم برهم زدن و مانند برق، مانند باد، مانند اسبهای تیزرو و یا شتر (بر حسب ایمانشان) از روی پل می گذرند بعضی از آنها به سلامت عبور می کنند و بعضی دیگر با بدن زخمی به آخر پل می رسند و عده ای به دوزخ می افتند تا اینکه آخرین نفر را به روی این خارها می کشانند». بخاری (۷۴۳۹) ، و مسلم (۱۸۳)

وصف صراط در نصوص بسیار است و خلاصه ای از آنچه در باره آن آمده این است که از مو باریکتر و از شمشیر برنده تر است، جایی بسیار لغزنده و خطرناک می باشد جز کسی که خدا او را ثابت قدم بدارد کسی نمی تواند خودش

را حفظ کند. و صراط بر تاریکی نصب می شود (جای تاریکی است)؛ به مردم به قدر ایمانشان نورهایی عطا می شود و بر اساس آنچه در حدیث سابق گذشت بر بالای آن هر کس به اندازه ایمانش از آن میگذرد.